



ادامه از صفحه قبل

امام خمینی، با اعلام رفراندم از طرف شاه، با علما و مقامات برجسته روحانی به گفت‌وگو نشستند و لزوم مقابله و مبارزه فوری با آن را یادآور شدند. (روحانی زیارتی، ۱۳۶۰، ج اول، ص۲۲۲) در این نشست تصمیم گرفته شد تا با شاه مذاکره و هدف او را جویا شوند. پیغام‌های طرفین (شاه و علما) به‌وسیله اعزام نمایندگان برای مذاکره در چند مرحله، رد و بدل شد. محمدرضاشاه در ملاقات با آیت‌الله کمالوند تهدید کرده بود که اصلاحات به هر قیمتی ولو با خون‌ریزی و خراب‌کردن مسجدها انجام خواهد شد.

در نشست بعدی علمای قم، امام خمینی ^{۱۶} خواهان تحریم رسمی رفراندم شاه بودند؛ ولی برخی از حاضرین در جلسه، مبارزه در چنین شرایطی را مقابله «مشت با درفش» دانسته و بی‌ثمر خواندند! سرانجام به‌واسطه اصرار امام خمینی قرار شد، مراجع و علما مخالفت با رفراندم را صریحاً اعلام و شرکت در آن را تحریم نمایند.

در این راستا خود امام بیانی‌ه‌ای کوبنده، در دوم بهمن ۱۳۴۱ صادر نمودند و به دنبال آن، بازار تهران تعطیل و مأموران شاه به تجمع مردم حمله کردند. در آستانه رفراندم تحمیلی، ابعاد مخالفت مردم گسترش یافت و شاه برای کاهش مخالفت‌ها در چهارم بهمن عازم قم گردید. (انصاری، ۱۳۷۴، ص۴۲) امام امت از قبل با پیشنهاد استقبال مقامات روحانی از شاه به‌شدت مخالفت کرد و حتی خروج از منازل و مدارس را در روز ورود شاه به قم تحریم نمود. به دنبال این تحریم، نه‌تنها روحانیون و مردم قم، بلکه تولیت آستانه حضرت معصومه ^{۱۷} نیز که مهم‌ترین منصب حکومتی تلقی می‌گردید هم، به استقبال شاه نرفت و به‌همین جهت از سمت خود عزل گردید. (جمعی از پژوهشگران حوزه علمیه قم، ۱۳۷۹، ج۲، ص۹۶)، شاه در قم نطق‌زننده‌ای علیه روحانیت ایراد کرد. (دوانی، ۱۳۷۷، ج سوم، ص۲۵۵)

• ششم بهمن ۱۳۴۱ و تصویب لوائح ۶‌گانه

در این روز، پای صندوق‌های رأی، جز عده‌ای از گماشتگان «ساواک» کسی دیده نمی‌شد و محل استقرار صندوق‌های رأی خلوت بود؛ خیابان‌ها از مردم تهی و از تانک و توپ و سربازان و مأموران مسلح پر بود. (روحانی زیارتی، ۱۳۶۰، ج اول، ص۲۶۹)

آری، یک رفراندم قلابی و مُضحک و بدون استقبال مردم برگزار شد؛ عدم استقبال از این رفراندم، نشان‌گر مخالفت مردم با شاه و طرفداری آن‌ها از امام خمینی و روحانیت بود. با این وجود، وسایل ارتباط جمعی شاه، در روز هفتم بهمن اعلام کردند: اصول پیشنهادی شاهنشاه آریامهر همایونی، با استقبال گسترده و بی‌سابقه طبقات مختلف مردم مواجه شد. (فردوسی پور، ۱۳۷۲، ص۶۲)

رسانه‌های رژیم پهلوی با پخش مکرر تلگراف‌های تبریک مقامات آمریکا و دولت‌های اروپایی، کوشش می‌کردند تا رسوایی عدم مشارکت مردم در رفراندم را مخفی نگاه دارند. امام خمینی نیز با سخنرانی‌ها و بیانیه‌های خود، به افشاکاری خود ادامه می‌داد.

سرانجام با پیشنهاد امام خمینی، عید باستانی نوروز سال ۱۳۴۲ در اعتراض به اقدامات رژیم پهلوی تحریم گردید. (انصاری، ۱۳۷۴، ص۴۳۴)

در دوم فروردین سال ۱۳۴۲ که مصادف با شهادت امام جعفرصادق ^{۱۸} بود، در فیضیه، مجلس سوگواری منعقد و این مجلس توسط مزدوران پهلوی به خاک و خون کشیده شد. متعاقب آن، امام امت، اعلامیه شدیداللحنی تحت عنوان «شاه‌دوستی؛ یعنی غارت‌گری»، صادر فرمودند.

• سخنرانی تاریخی وکوبنده امام

امام خمینی در ۱۳ خرداد ۱۳۴۲، (عصر عاشورا، دهم محرم ۱۳۸۳ق)، سخنرانی کوبنده، محکم و تاریخی خویش را در مدرسه فیضیه، علیه محمدرضاشاه ایراد نمود. (حسینی، ۱۳۷۸، ص۳۹۰، ۳۹۱)

آن آبرمد تاریخ معاصر، در این سخنرانی که عبارات و کلمات آن برای همه قابل درک و فهم بود، شاه را مستقیماً مورد خطاب قرار داد و آبهت کاذب او را شکست و رسالت تاریخی خویش را به بهترین نحو، انجام داد. ایشان با شدیدترین حملات، در مقابل شاه پهلوی قرار گرفت.

ترس و وحشتی که در بین مردم از شاه و ساواک وجود داشت، تا حدود زیادی از بین رفت. در کلمات خطابی امام خمینی، شاه از آن مقام خیالی و تصویری و اعلی‌حضرتی پایین کشیده شد. (هیأت نویسندگان دفتر عقیدتی سیاسی فرماندهی معظم کل قوا، ۱۳۷۷، ج اول، ص۴۴۷)

• ۱۵ خرداد۱۳۴۲

سخنان تاریخی و کوبنده امام خمینی بلافاصله، توسط ساواک و شهریانی به تهران گزارش شد. به دستور شاه پهلوی، ساواک مأمور دستگیری امام گردید. ساعت ۳ بامداد ۱۵ خرداد، مزدوران ساواک با هجوم به منزل معظم‌له، ایشان را دستگیر و به تهران منتقل کردند.

خبر دستگیری مرجع تقلید مردم، به‌سرعت در قم و سپس در تهران و شهرهای دیگر منتشر شد، مردم قم با ریختن به خیابان‌ها نسبت به دستگیری امام اعتراض کرده و راهپیمایی نمودند.

پلیس برای متفرق‌کردن مردم ابتدا به تیراندازی هوایی پرداخت، سپس تیراندازی به‌سوی مردم آغاز و تعدادی از مردم بی‌دفاع به قتل رسیدند. گلوله‌باران مردم تا عصر ادامه داشت؛ سرانجام با واردشدن ارتش در قضیه و استقرار تانک‌ها در شهر و به پرواز درآوردن هواپیماها و شکستن دیوار صوتی توسط آن‌ها برای ارباب مردم، به‌طور موقت قضیه فیصله داده شد.

از سوی دیگر، کشاورزان کفن‌پوش ورامین، دهقانان منطقه کن و مردم جماران به طرف تهران حرکت کردند؛ انبوه جمعیت اعم از بازاریان، بارفروشان، دانشگاهیان و قشرهای دیگر، شعار «یا مرگ یا خمینی» و «مرگ بر شاه» می‌دادند. محمدرضاشاه پهلوی، تظاهرکنندگان را به خاک‌وخون‌کشید و فاجعه پانزده خرداد۴۲ به وجود آمد. همزمان با به خاک و خون کشیدن تظاهرات تهران، کشتارهای فجیعی در قم، شیراز، مشهد و تبریز و دیگر شهرستان‌ها توسط جنایت‌کاران شاه به وقوع پیوست. (مرکز فرهنگی تربیتی نور ولایت، ۱۳۷۹، ص۱۵۴)

پانزده خرداد ۱۳۴۲، در تاریخ معاصر ایران نقطه‌عطفی محسوب می‌شود وبیانگر این واقعیت است که پیوند عمیقی میان امام و مردم وجود داشت؛ مردمی که به‌خاطر دستگیری مرادشان، سر پا نمی‌شناختند و خود را آماج گلوله‌های مرگبار شاه قرار می‌دادند و آزادی آن یگانه دوران را خواستار بودند. فاجعه این روز نشان داد که دیگر بین شاه و ملت شکاف عمیقی ایجاد شده است

آبان، سخنرانی تاریخی خویش را شروع نمودند و بعد از شرح قانون کاپیتولاسیون، نتایج سیاسی ـ اجتماعی آن را تبیین نمودند. پس از این سخنرانی، اعلامیه‌ای هم منتشر و آن را سند بردگی مردم ایران معرفی کردند. سخنرانی و اعلامیه امام، بازتاب گسترده‌ای در سراسر ایران داشت؛ به‌همین جهت، در شب ۱۳ آبان ۱۳۴۳، رهبر شجاع ایران را دستگیر و به کشور ترکیه تبعید کردند. (لک‌زایی و میراحمدی، ۱۳۷۷، ص۱۶۴، ۱۶۳)

دوران تبعید آن‌جناب، در ترکیه بسیار سخت و طاقت‌فرسا بود. رهبر آزادی‌خواهان ایران، حتی از پوشیدن لباس روحانیت در آنجا ممنوع شده بود؛ اما هیچ‌یک از این فشاها نتوانست این مرد بزرگ و الهی را وادار به سازش کند. آن بزرگوار، در ترکیه تحت مراقبت مستقیم مأموران اعزامی حکومت ایران و نیروهای امنیتی دولت ترکیه قرار داشت و امکان هرگونه فعالیت سیاسی از ایشان سلب شده بود. (جمعی از پژوهشگران حوزه علمیه قم، ۱۳۷۹، ج۲، ص۹۲۶)

• تبعید از ترکیه به عراق

در ۱۳ مهرماه ۱۳۴۴، ساواک امام خمینی را از ترکیه به عراق تبعید کرد. (رجبی، ۱۳۶۹، ص۲۷۹) رهبر انقلاب، بعد از ورود به بغداد، برای زیارت مضاجع مقدس و مبارک ائمه ^{۱۹}، به شهرهای کاظمین، سامرا و کربلا عزیمت کرده و یک هفته بعد، به نجف رفتند و سلسله درس‌های خارج فقه خود را در آنجا شروع کردند. از طرفی، از آغاز ورود به نجف اشرف، با ارسال نامه‌ها و پیک‌هایی به ایران، ارتباط خود را با مبارزان حفظ کرده و آنان را در هر مناسبتی به پایداری در پیگیری اهداف قیام ۱۵ خرداد فراخواندند. (انصاری، ۱۳۷۴، ص۶۸، ۷۱)

لپانزده خرداد ۱۳۴۲، در تاریخ معاصر ایران نقطه عطفی محسوب می‌شود و بیانگر این واقعیت است که پیوند عمیق میان امام و مردم وجود داشت؛ مردمی که به‌خاطر دستگیری مرادشان، سر از پا نمی‌شناختند و خود را آماج گلوله‌های مرگبار شاه قرار می‌دادند و آزادی آن یگانه دوران را خواستار بودند.

و ملت ایران از این به بعد شاه را از خود نمی‌دانند؛ بلکه او را آلت دست آمریکا و جهان غرب تلقی می‌کنند.

بدین‌ترتیب شاه با ارتکاب این جنایت وحشتناک، درواقع رژیم و سلطنت خویش را مورد هدف مبارزه قرار داد و شمارش معکوس سقوط سلسله پهلوی آغاز گشت.

• امام خمینی در تهران

در ساعت ۳ نیمه شب (سحرگاه پانزده خرداد ۴۲)، مأموران شاه، امام امت را دستگیر و به تهران برده و در بازداشتگاه باشگاه افسران تهران زندانی نمودند و غروب آن روز به زندان قصر انتقال دادند. روح خدا

پس از ۱۹ روز حبس در زندان قصر، به زندانی در پادگان نظامی عشرت‌آباد انتقال داده شد. (جمعی از پژوهشگران حوزه علمیه قم، ۱۳۷۹، ج۲، ص۹۲۴، ۹۲۳)

• آزادی نسبی امام

روز جمعه ۱۱ مردادماه ۱۳۴۲، آن بزرگمرد، از زندان پادگان عشرت‌آباد، آزاد و به «داوودیه» انتقال یافتند و در خانه‌ای که مربوط به ساواک بود، اقامت گزیدند. (روحانی زیارتی، ۱۳۶۰، ج اول، صص ۵۷۴ و ۵۷۶) مردم تهران به‌محض اطلاع از انتقال رهبرشان، به طرف داوودیه سرازیر شدند. ساعاتی از ازدحام جمعیت نگذشت که حکومت پهلوی ناگزیر از پراکندن مردم و محاصره علنی منزل، توسط نیروهای نظامی شد. عصر ۱۱ مرداد روزنامه‌های مزدور حکومت، خبری جعلی را مبنی بر تفاهم مراجع تقلید با مقامات دولتی منتشر کردند؛ اما علمای بزرگ با انتشار بیانیه‌هایی هرگونه تفاهم را تکذیب نمودند.

بعد از این وقایع، امام خمینی تحت‌الحفظ مأموران شاه، به منزلی واقع در قیطریه تهران انتقال یافت و تا روز آزادی و بازگشت به قم در ۱۸ فروردین‌ماه ۱۳۴۳، در همین محل محاصره‌شده اقامت داشتند؛ در شامگاه همین روز، آن آبرمرد تاریخ تشیع، آزاد و به قم انتقال یافت و مردم قم به شادمانی پرداختند. (انصاری، ۱۳۷۴، ص۵۹، ۵۸)

• قیام علیه کاپیتولاسیون و تبعید به ترکیه

قانون کاپیتولاسیون یا حق قضاوت کنسولی، برای نظامیان آمریکایی در مهر ۱۳۴۳ تصویب شد. امام خمینی برای افشای این توطئه تصمیم گرفتند که در روز چهارم آبان سخنرانی کنند که همزمان رژیم پهلوی نیز برای برگزاری جشن چهارم آبان، روز تولد شاه می‌کوشید.

خمینی کبیر، در ساعت ۸/۳۰ صبح چهارم

آبان، سخنرانی تاریخی خویش را شروع نمودند و بعد از شرح قانون کاپیتولاسیون، نتایج سیاسی ـ اجتماعی آن را تبیین نمودند. پس از این سخنرانی، اعلامیه‌ای هم منتشر و آن را سند بردگی مردم ایران معرفی کردند. سخنرانی و اعلامیه امام، بازتاب گسترده‌ای در سراسر ایران داشت؛ به‌همین جهت، در شب ۱۳ آبان ۱۳۴۳، رهبر شجاع ایران را دستگیر و به کشور ترکیه تبعید کردند. (لک‌زایی و میراحمدی، ۱۳۷۷، ص۱۶۴، ۱۶۳)

دوران تبعید آن‌جناب، در ترکیه بسیار سخت و طاقت‌فرسا بود. رهبر آزادی‌خواهان ایران، حتی از پوشیدن لباس روحانیت در آنجا ممنوع شده بود؛ اما هیچ‌یک از این فشاها نتوانست این مرد بزرگ و الهی را وادار به سازش کند. آن بزرگوار، در ترکیه تحت مراقبت مستقیم مأموران اعزامی حکومت ایران و نیروهای امنیتی دولت ترکیه قرار داشت و امکان هرگونه فعالیت سیاسی از ایشان سلب شده بود. (جمعی از پژوهشگران حوزه علمیه قم، ۱۳۷۹، ج۲، ص۹۲۶)

• تبعید از ترکیه به عراق

در ۱۳ مهرماه ۱۳۴۴، ساواک امام خمینی را از ترکیه به عراق تبعید کرد. (رجبی، ۱۳۶۹، ص۲۷۹) رهبر انقلاب، بعد از ورود به بغداد، برای زیارت مضاجع مقدس و مبارک ائمه ^{۲۰}، به شهرهای کاظمین، سامرا و کربلا عزیمت کرده و یک هفته بعد، به نجف رفتند و سلسله درس‌های خارج فقه خود را در آنجا شروع کردند. از طرفی، از آغاز ورود به نجف اشرف، با ارسال نامه‌ها و پیک‌هایی به ایران، ارتباط خود را با مبارزان حفظ کرده و آنان را در هر مناسبتی به پایداری در پیگیری اهداف قیام ۱۵ خرداد فراخواندند. (انصاری، ۱۳۷۴، ص۶۸، ۷۱)

مرجع بیدار شیعیان جهان در نجف اشرف، سلسله درس‌های خود را درباره حکومت اسلامی یا ولایت فقیه آغاز نمودند که انتشار مجموعه این درس‌ها در قالب کتابی تحت عنوان «ولایت فقیه» یا «حکومت اسلامی» در ایران، عراق و لبنان ـ در ایام حج ـ روح‌تازه‌ای به مبارزه می‌داد. در این کتاب دورنمای مبارزه و اهداف نهضت ترسیم و مبانی فقهی، اصولی و عقلی حکومت اسلامی از زبان امام خمینی ارائه شده بود. (همان، ص۸۰، ۸۱)

• واقعه ۱۹ دی ۱۳۵۶ در شهر مقدس قم

اعتراض به مقاله توهین‌آمیز روزنامه اطلاعات علیه امام، به قیام ۱۹ دی قم منجر گردید که در آن جمعی از طلاب به خاک‌وخون کشیده شدند. برگزاری مراسم سوم، هفتم و چهل‌م‌های پیاپی در بزرگداشت خاطره شهیدان در تبریز، یزد، جهرم، شیراز، اصفهان و تهران، قیام‌هایی مکرر به وجود آورد.

جایگزینی جمشید آموزگار، به جای هویدا به نخست‌وزیری، کمکی به حل بحران رژیم ننمود. بعد هم جعفر شریف‌امامی با شعار «دولت آشتی ملی» به نخست‌وزیری رسید. او نیز نتوانست مبارزات مردم را متوقف کند. در زمان نخست‌وزیری وی کشتار ۱۷ شهریور در تهران اتفاق افتاد و حکومت نظامی در پایتخت و یازده شهر بزرگ ایران برای مدتی نامحدود برقرار شد.

از روش‌های مبارزاتی امام، دعوت مردم به اعتصاب و گسترش آن بود. اعتصاب‌های سراسری در ماه‌های پایانی عمر رژیم شاه، به وزارتخانه‌ها، ادارات و مراکز نظامی کشیده شد و ضربه نهایی را اعتصاب کارکنان شرکت نفت، بانک‌ها و مراکز حساس دولتی وارد کرد. (جمعی از پژوهشگران حوزه علمیه قم، ۱۳۷۹، ج۱، ص۹۹۳، ۹۹۲)

• هجرت امام، از عراق به فرانسه

در ۱۵ مهر ۱۳۵۷، امام خمینی و همراهانش از عراق به پاریس عزیمت و بعد از چند روز اقامت در پاریس، به مکانی در حومه این شهر، به‌نام «نوفل لوشاتو» نقل مکان نمودند. امام خمینی در فرانسه، در مدت اقامت حدود چهار ماهه‌اش، ضمن مصاحبه با خبرنگاران مطبوعات، شبکه‌های تلویزیونی و دیدار با شخصیت‌های مختلف جهانی و تماس تلفنی با طرفداران‌شان در ایران، ملت را برای ادامه مبارزه تا سقوط شاه ترغیب می‌کردند و همیشه کلام‌شان این بود که «شاه باید برود». سرانجام در ۲۶ دی‌ماه، محمدرضای پهلوی، ایران را ترک کرد و به مصر رفت. (مرکز فرهنگی تربیتی نور ولایت، ۱۳۷۹، ص۳۳۹، ۳۳۷)

امام خمینی در ۱۲ بهمن‌ماه ۱۳۵۷، وارد ایران شدند و سخنرانی تاریخی خود را در بهشت زهرا ^{۲۱} ایراد فرمودند. در ۱۶ بهمن، مهندس بازرگان را به‌عنوان رئیس دولت موقت تعیین نمودند. روز ۱۹ بهمن، پرسنل نیروی هوایی با رهبر انقلاب بیعت کردند. روز ۲۰ بهمن همافران در مهم‌ترین پایگاه هوایی تهران قیام نمودند. روز ۲۱ بهمن پایگاه‌های پلیس و مراکز دولتی توسط مردم سقوط کردند و کودتای نظامی بختیار نیز شکست خورد. در روز ۲۲ بهمن،

انقلاب اسلامی ایران به پیروزی کامل رسید و دولت بختیار نیز طعم تلخ شکست را تجربه کرد.

(انصاری، ۱۳۷۴، ص۱۰۶، ۱۱۰)

• جمع‌بندی

حوزه‌ای که آیت‌الله حائری در ابتدای سال ۱۳۵۱ش، در آن شرایط حساس دوره رضاخانی تأسیس و بازسازی نمود، چنان با اهمیت است که امام خمینی درباره آن فرمودند: «تأسیس حوزه علمیه در آن روز، از جهت سیاسی کم‌تر از تأسیس جمهوری اسلامی در ایران امروز نبود». (امام خمینی، ۱۳۶۲، ص۱۷۳) چراکه آن به‌تدریج به مرحله‌ای رسید که با همت شاگردان آن مرجع دوران‌دیش، به‌ویژه امام خمینی توانست با تبیین تئوریک حکومتی اسلام، نظامی را ساقط و نظام حکومتی نوینی را جایگزین آن کند. از این لحاظ باید بگوییم امام خمینی موفق‌ترین شاگرد مکتب آیت‌الله حائری محسوب می‌شود. هنر بزرگ ایشان، ترسیم حکومت اسلامی به‌لحاظ نظری و تشکیل و سپس اداره این حکومت به‌لحاظ عملی بود. امام خمینی با مطرح‌کردن «ولایت فقیه» حکومت را در زمان غیبت امام دوازدهم از آن فقیه جامع‌الشرایط عادل می‌داند. ایشان با تلفیق «جهوریت» و «اسلامیت» نظامی را به وجود آورد که در عین پای‌بندی به ارزش‌های اسلامی، از تجارب مثبت بشری نیز بهره می‌گیرد؛ یعنی این نظام‌طوری طراحی‌شده است که قوای سه‌گانه مجریه، مقننه و قضائیه تحت اشراف ولی‌فقیه، به وظایف خود عمل می‌کنند و این نظام مبتنی بر خواست و اراده مردم است؛ یعنی قوه مجریه و مقننه با رأی مستقیم مردم و رهبری نیز با یک واسطه (مجلس خبرگان) توسط مردم انتخاب می‌شود.

برای اینکه قوانین مصوب در مجلس با موازین شرع و قانون اساسی منطبق باشد و برخلاف این دو نباشد، نهاد «شورای نگهبان» پیش‌بینی شده‌است و همچنین امام خمینی بعداً «مجمع تشخیص مصلحت نظام» را به وجود آورد که وظیفه اصلی آن، رفع اختلاف بین مجلس و شورای نگهبان می‌باشد. تشکیل این مجمع، نشانگر بویایی فقه شیعه است؛ یعنی فقه شیعه قدرت پاسخگویی به نیازهای تمام زمان‌ها را دارد؛ به این معنا که با استفاده از احکام ثانویه، معضلات سیاسی و اجتماعی جامعه اسلامی حل و فصل می‌شود. آری، رهبر کبیر انقلاب اسلامی ایران، پورش یافته مکتب آیت‌الله حائری بود که نظام سیاسی نوینی را طرح، اجرا و نقشی بس ژرف در تحولات سیاسی ـ اجتماعی ایران ایفا نمود.

• فهرست منابع

- قرآن کریم
- انصاری قمی، ناصرالدین، آیت‌الله گلیلیگانی، فروغ فقاقت، قم: سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۳.
- انصاری، حمید، حدیث بیداری (نگاهی به زندگینامه آرمانی، علمی و سیاسی امام خمینی)، چاپ سوم، تهران: مؤسسه نشر و تنظیم آثار امام خمینی ،^{۱۶} ۱۳۷۴.
- آقا شیخ محمد، مریم، نوری نشاط، سعید، گلزار مشاهیر، زندگینامه درگذشتگان مشاهیر ایران، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی ایران، با همکاری نشر بزرگ زیتون، ۱۳۷۷.
- جمعی از پژوهشگران حوزه علمیه قم، گلشن ابرار، قم: معروف، ۱۳۷۹.
- حسینی، سیدنعمت‌الله، جلوه‌های حسینی، در سیمای خمینی، قم: معصومی، ۱۳۷۸.
- خمینی، روح‌الله، امام و روحانیت؛ مجموعه سخنان و دیدگاه‌های امام خمینی درباره روحانیت، تهران: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۱۳۶۲.
- دوانی، علی، امام خمینی در آئینه خاطره‌ها، تهران: مطهر، ۱۳۷۳.
- دوانی، علی، نهضت روحانیون ایران، چاپ دوم، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۷.
- رجبی، محمد حسن، زندگینامه سیاسی امام خمینی، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۹.
- روحانی زیارتی، سیدحمید، بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی، چاپ یازدهم، تهران: راه امام، ۱۳۶۰.
- روزنامه رسالت، شماره ۵۵۸، پنج‌شنبه، ۱۰ آذر ۱۳۷۳.
- ریحان یزدی، سیدعلیرضا، آئینه دانشوران، به‌احمام ناصر باقری بیدهندی، چاپ سوم، قم: کتابخانه آیت‌الله‌العلظمی مرعشی نجفی ،^{۱۷} ۱۳۷۷.
- ستوده، امیررضا، به‌پای آفتاب، تهران: پنجره، ۱۳۷۳.
- شکری، ابوالفضل، مرجع دوران‌دیش و صبور، آیت‌الله حائری، مؤسس حوزه علمیه قم، فصلنامه یاد، شماره ۱۷، سال پنجم، زمستان ۱۳۶۸.
- صدایی خوبی، علی، حافظیان، ابوالفضل، آیت‌الله اراکی (یک قرن وارتستگی)، قم: سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۴.
- عباس‌زاده، سعید، شیخ عبدالکریم حائری، نگهبان بیدار، چاپ دوم، قم: سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۷.
- عقایی بخشایشی، عبدالرحیم، فقهای نامدار شیعه، قم: کتابخانه آیت‌الله‌العلظمی مرعشی نجفی ،^{۱۸} ۱۴۰۵.
- شیرازی تا امام خمینی، چاپ سوم، قم: نوبد اسلام، ۱۳۵۹.
- فردوسی‌پور، اسماعیل، هنگام با خورشید، قم: مجتمع فرهنگی، اجتماعی امام خمینی ،^{۱۹} ۱۳۷۲.
- لک‌زایی، نجف، میراحمدی، منصور، زمینه‌های انقلاب اسلامی ایران، قم: مؤسسه فرهنگی، انتشاراتی ائمه ^{۲۰}، ۱۳۷۷.
- موتلی، علیرضا، شهاب سبز (حکایت زندگی امام روح‌الله موسوی خمینی)، تهران: کتاب‌های فاضلک، ۱۳۷۹.
- مرکز فرهنگی، تربیتی نور ولایت، روزها و رویدادها، چاپ چهارم، قم: پیام مهدی ^{۲۱}، ۱۳۷۹.
- هیأت نویسندگان دفتر عقیدتی، سیاسی فرماندهی معظم کل قوا، روزها و رویدادها، چاپ دوم، تهران: رامین، ۱۳۷۷.